



دانشگاه قرآن و حدیث

پایان نامه دکتری

رشته مدرسی معارف اسلامی

گرایش منابع اسلامی

# اعتبار و قلمرو قاعده عدالت در فقه

## از منظر کتاب و سنت

استاد راهنما

حجة الاسلام و المسلمین دکتر سیف الله صرامی

اساتید مشاور

حجة الاسلام و المسلمین دکتر کاظم قاضی زاده

حجة الاسلام و المسلمین دکتر مهدی مهریزی

دانشجو

سید محمود صادق زاده طباطبایی

اسفند ۱۳۹۱

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است

تقدیم به ساحت قدسی :

پیامبر خاتم

و امیر المومنین

و بی بی فاطمه زهرا

و یازده فرزند پاک و معصومش سلام الله علیهم أجمعین

به ویژه به آن امام همامی که ریزه خور سفره ی گسترده اش در مشهد الرضایم

و بالأخص به امام زنده ی غایب، قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الأعظم عج

تشکر و سپاس :

بر خود لازم می دانم که زبان به این آیه شریفه مترنم سازم که : ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي

أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ﴾

لذا ضمن حمد و سپاس بی پایان خدایی را که به من توفیق دارد این بضاعت مزجاة را به جامعه ی علمی تقدیم دارم، از همه اساتید و معلمان و بزرگانی که مرا در فراهم آوری این فرآورده ی علمی یاری رساندند کمال سپاس و تشکر را دارم.

به ویژه از استاد راهنما جناب حجة الاسلام و المسلمین سیف الله صرامی که ضمن برخورد متواضعانه با دقت و نکته بینی های عالمانه خود سهم بسزایی در شکل گیری و اتقان این اثر داشته اند .

همچنین مراتب سپاس خود را از اساتید مشاور آقایان حجج اسلام و المسلمین مهدی مهریزی و دکتر کاظم قاضی زاده که با رهنمودهای خود بر کیفیت اثر افزودند اعلان می نمایم .

## چکیده

این رساله در قالب سه بخش، در پی پاسخگویی به سه سوال اصلی در زمینه اعتبار و قلمرو قاعده عدالت است. طرح عدالت به مثابه قاعده ای که برای اثبات حکم شرعی توسط فقیه به کار آید در دوره معاصر بر پایه عدالت در تشریح صورت پذیرفته است و سابقه قابل توجهی از آن در کتب فقهی یافت نمی شود. عدالت در تشریح به این معنا است که تشریحات خداوند اعم از احکام و حقوق بر مبنای عدالت است و هیچکدام ظالمانه نیست. عدالت در تشریح و قانون گذاری از شاخه های عدل خداوند در کنار عدل او در عالم تکوین و نیز مقام حساب و جزا در روز قیامت است.

اولین سوال اصلی رساله آن بوده که ادله این قاعده در کتاب و سنت چیست؟ در پاسخ به این سوال تمامی ادله قرآنی و روایی این قاعده جمع آوری و بررسی شده است که در تحقیقات گذشته انجام نشده است. علاوه بر آیاتی که مثبت عدالت تشریحی است به آیاتی که ظلم را از ساحت تشریح الهی نفی کرده است استناد شده است چراکه می تواند مثبت جنبه سلبی قاعده عدالت یعنی نفی ظلم باشد. همچنین تبیین شده حسب آیات و روایات، معیار و میزان تشریح در امت پیامبر خاتم بر خلاف امم گذشته، بر سهولت و آسانی استوار است و این شاخصه پایین تر از معیار عدل است.

بخش دوم رساله پاسخ بدین سوال است که مفهوم عدالت چیست و مرجع تشخیص مصادیق آن کدام است؟ در این بخش اثبات شده که اولاً عدالت مفهومی واقعی است نه اعتباری و ثانیاً مفهومی غیر شرعی است یعنی مقصود شارع از عدالت معنای خاص و ویژه ای جز آنچه بشر فهم می کند نبوده است. وجوه متعددی برای شرعی نبودن مفهوم عدالت بیان شده است. همچنین تبیین شده که شناخت مصادیق عدالت از طریق عرف، عقل و بناء عقلاء بر طبق شرایط و قیودی ممکن است. و نیز به جهت عدم امکان دسترسی به علم و یقین، و نیز فقدان راه علمی در دستیابی به مصادیق عدل و ظلم، مطلق ظنون در چارچوب ضوابط و معیارهای تشخیصی از جانب عرف، عقل و بناء عقلاء معتبر است.

در بخش سوم و پایانی رساله تحت عنوان قلمرو قاعده عدالت، تلاش شده است تا به این سوال پاسخ داده شود که قلمرو قاعده عدالت کجاست؟ اثبات کرده ایم قواعد مشهوری چون لا ضرر، غرور، عدل و انصاف و قرعه از مصادیق قاعده عدالت اند که سابقه ای دیرینه در فقه دارد. همچنین در زمینه محدوده ی جریان این قاعده اثبات شده است که این قاعده در ما لا نص فیه کاربرد حداکثری دارد. اما در موارد منصوص و در صورت تعارض آن با ادله این احکام اگر تعارض با اطلاق و عموم یک حکم رخ دهد قاعده عدالت به جهت حکومت آن بر ادله احکام مقدم می شود و اگر تعارض با اصل یک حکم باشد در احکام عبادی به جهت عدم درک مصالح و مفاسد آن از سوی عرف و عقل، ادله ی این احکام بر قاعده عدالت مقدم می شود و در معاملات بعد از تشخیص عدل و ظلم توسط مراجع معتبر تشخیصی، قاعده عدالت مقدم خواهد بود.

## فهرست اجمالی مطالب

مقدمه ..... ۱

### بخش اول: اعتبار قاعده عدالت

فصل اول: ادله قرآنی قاعده عدالت ..... ۲۹

فصل دوم: ادله روایی قاعده عدالت ..... ۹۵

### بخش دوم: تحلیل مفهوم عدالت و مرجع تشخیص مصادیق آن

فصل اول: بررسی مفهوم عدالت ..... ۱۱۹

فصل دوم: مرجع معتبر تشخیص مصادیق عدالت ..... ۱۳۵

### بخش سوم: قلمرو قاعده عدالت

فصل اول: نسبت قاعده عدالت با سایر قواعد فقهی ..... ۱۶۵

فصل دوم: نسبت قاعده عدالت با احکام و بررسی موارد جریان آن ..... ۱۸۹

بررسی نهایی سوال ها و فرضیه های رساله و پیشنهادات ..... ۲۲۵

## فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه	۱
یکم: مساله و ضرورت تحقیق	۱
دوم: سوال ها و فرضیه های تحقیق	۲
سوم: پیشینه تحقیق	۴
چهارم: تعریف قاعده فقهی	۷
پنجم: تعریف قاعده عدالت	۹
ششم: بررسی واژه عدل و ظلم	۱۲
بررسی واژه ی عدل در لغت	۱۲
بررسی واژه ی عدل در قرآن	۱۸
بررسی واژه ی ظلم در لغت	۲۱
بررسی واژه ظلم در قرآن	۲۲

## بخش اول: اعتبار قاعده عدالت

فصل اول: ادله قرآنی قاعده عدالت	۲۹
گفتار اول: آیات مثبت عدالت	۲۹
دسته اول: امر به عدالت	۲۹
۱- عدل متعلق ماده امر	۲۹
آیه اول: امر به عدل بودن خداوند	۲۹
آیه دوم: مامور به عدل بودن پیامبر	۳۶
آیه سوم: مساوی نبودن امر به عدل با لال	۳۷
۲- امر از ماده عدل	۴۰
آیه اول: عدالت ورزیدن در قضاوت	۴۰
آیه دوم: عدالت ورزیدن در گفتار	۴۴
۳- عدل قید مأمور به	۴۸
آیه اول: فرمان به نوشتن عادلانه	۴۸
آیه دوم: فرمان به قضاوت عادلانه	۵۰



- آیه سوم : فرمان به صلح عادلانه ..... ۵۳
- دسته دوم: عدل معیار تشریح ..... ۵۴
- آیه اول : عدالت در تعدد زوجات ..... ۵۴
- آیه دوم: عدالت در کلمة الله ..... ۶۰
- آیه سوم : عدالت هدف انبیاء ..... ۶۳
- گفتار دوم: آیات نافی ظلم ..... ۶۵
- دسته اول: نفی ظلم در قیامت ..... ۶۶
- دسته دوم: نفی ظلم در دنیا ..... ۶۹
- دسته سوم: نفی ظلم در تشریح ..... ۷۳
- گفتار سوم: آیات موهم ظلم ..... ۷۹
- آیه اول : فرمان به قتل نفس ..... ۸۰
- آیه دوم : تکالیف پر مشقت در ادیان گذشته ..... ۸۷
- جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۹۰
- فصل دوم: ادله روایی قاعده عدالت ..... ۹۵**
- گفتار اول: روایات مثبت عدالت ..... ۹۵
- گفتار دوم: روایات نافی ظلم ..... ۹۷
- گفتار سوم: روایات موهم ظلم ..... ۱۰۷
- حکم بریدن گوشت بدن ..... ۱۰۷
- گفتار چهارم : «یسر» معیار تشریح در امت پیامبر ..... ۱۱۰
- جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۱۱۴

### بخش دوم: تحلیل مفهوم عدالت و مرجع تشخیص مصادیق آن

- فصل اول: بررسی مفهوم عدالت ..... ۱۱۹**
- گفتار اول: عدالت مفهومی اعتباری یا واقعی ..... ۱۱۹
- گفتار دوم: عدالت مفهومی عرفی یا شرعی ..... ۱۲۰
- جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۱۳۳

۱۳۵	فصل دوم: مرجع معتبر تشخیص مصداق عدالت
۱۳۷	گفتار اول: عرف
۱۴۵	گفتار دوم: عقل
۱۵۳	گفتار سوم: سیره عقلاء
۱۵۶	گفتار چهارم: اعتباربخشی به ظنون در شناخت عدالت
۱۵۹	جمع بندی و نتیجه گیری

### بخش سوم: قلمرو قاعده عدالت

۱۶۵	فصل اول: نسبت قاعده عدالت با سایر قواعد فقهی
۱۶۵	گفتار اول: نسبت قاعده عدالت با قاعده عدل و انصاف
۱۶۸	گفتار دوم: نسبت قاعده عدالت با قاعده لا ضرر
۱۸۰	گفتار سوم: نسبت قاعده عدالت با قاعده قرعه
۱۸۳	گفتار چهارم: نسبت قاعده عدالت با قاعده غرور
۱۸۵	جمع بندی و نتیجه گیری

۱۸۹	فصل دوم: نسبت قاعده عدالت با احکام و بررسی موارد جریان آن
۱۸۹	گفتار اول: نسبت میان قاعده عدالت با احکام
۱۹۳	گفتار دوم: جریان قاعده عدالت در ما لا نص فیه
۲۰۷	گفتار سوم: جریان قاعده عدالت در موارد منصوص
۲۰۷	مبحث اول: تعارض قاعده عدالت با اصل حکم
۲۱۴	مبحث دوم: تعارض قاعده عدالت با اطلاق و عموم حکم
۲۲۱	جمع بندی و نتیجه گیری

۲۲۵	بررسی نهایی سوال ها و فرضیه های رساله و پیشنهادات
-----	---

۲۳۳	کتابنامه
۲۴۹	چکیده عربی
۲۵۳	چکیده انگلیسی

## باسمه تعالی

### مقدمه

#### یکم: مساله و ضرورت تحقیق

در دانش فقه از عدالت در دو مورد به صورت مستقل گفتگو شده است، یکی آنجا که عدالت یکی از صفات مجتهد، قاضی، امام جماعت، شاهد و... به شمار آمده است. در این زمینه برخی فقهاء همچون شیخ اعظم انصاری (متوفی ۱۲۸۱ ق) و سید علی موسوی قزوینی (متوفی ۱۲۹۷ ق) رساله های مستقلی تحت عنوان «رساله العدالة» تدوین کرده اند.

مورد دیگر، به عنوان يك قاعده تحت عنوان «قاعدة العدل و الانصاف» مطرح شده است که مفاد آن توزیع مساوی حقوق و اموال مشتبه بین دو طرف دعوی است.<sup>۱</sup>

اما عدالت در فقه در ساحتی دیگر نیز مطرح یا قابل طرح است که کمتر به آن پرداخته شده و بسیار فراتر از دو مورد سابق است به گونه ای که در تمام ابواب فقهی کاربرد دارد و می توان از آن به عدالت تشریحی تعبیر کرد.<sup>۲</sup>

عدالت در تشریح و قانون گذاری از فروع عدل خداوند در کنار عدل او در عالم تکوین و نیز مقام حساب و جزا در روز قیامت است.

عدالت در تشریح به این معنا است که تشریحات خداوند اعم از احکام و حقوق بر مبنای عدالت است و هیچکدام ظالمانه نیست. این عدالت هم در سلسله علل احکام قابل بررسی است و هم به عنوان یکی از مقاصد شریعت مطرح است.

طرح عدالت به مثابه قاعده ای که برای اثبات حکم شرعی توسط فقیه به کار آید در دوره معاصر بر پایه عدالت در تشریح صورت پذیرفته است و سابقه قابل توجهی از آن در کتب فقهی یافت نمی شود.

۱. مصطفوی، سید محمد کاظم، مائة قاعدة فقهية، ص ۱۵۹.

۲. سبحانی، جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه، ص ۲۴.

مهمترین مساله در این قاعده که پایه آن از سوی اکثر فقیهان معاصر پذیرفته شده است چگونگی تطبیق عدالت بر مصادیق و گستره بهره گیری از قاعده عدالت در اثبات احکام شرعی است. دغدغه بسیاری از فقهاء در عدم کارآیی این قاعده عدم انضباط فهم بشری در مصادیق عدالت و متغیر بودن آن است که به تبع، موجب تغییر و عدم ثبات احکام شرعی می شود. بنابر جریان قاعده در موارد منصوص با چالش افزون تری روبرو هستیم و آن نسبت قاعده با مواردی است که نص بر خلاف داریم.

لذا ضرورت طرح این موضوع از دو جنبه قابل توضیح است:

یکی اصل موضوع و دیگری ثمرات و نتایج آن، اما طرح اصل این موضوع از دو جهت قابل اهمیت است:

۱- قاعده عدالت بر خلاف اکثر قواعد فقهی اختصاص به یک یا چند باب خاص ندارد و در بیشتر ابواب در فقه جریان دارد.

۲- این قاعده به جهت آن که در کتب متقدمین از فقهاء مطرح نبوده است کمتر به آن پرداخته شده و زوایای آن روشن نشده است. ابهامات و شبهات جدی در تطبیق این قاعده ضرورت پرداختن به آن را موجب می شود.

اما از حیث نتایج مترتب بر این قاعده اهمیت طرح آن دو چندان است، از یک سو توسعه شمول جریان آن موجب تحولی بزرگ در فرایند اجتهاد و استنباط می گردد. استفاده از تمام ظرفیت های این قاعده در فقه موجب نقض برخی فتاوا و نیز صدور برخی فتاوی جدید در حوزه مسایل فقهی می گردد. از سوی دیگر عدم اثبات حداکثری آن نیز از آن جهت که مسیری مستدل طی شده و به سرانجام نرسیده موجب روشن تر شدن فضای بحث می شود.

این رساله برآن است تا با گردآوری حداکثری مستندات قرآنی و روایی این قاعده و تحلیل آنها، و نیز تبیین و تحلیل قلمرو آن، امکان توسعه و جریان حداکثری آن را بررسی کند.

## دوم : سوال ها و فرضیه های تحقیق

سوالات اصلی که این تحقیق در پی پاسخگویی به آن بوده است در سه محور قابل طرح است :

اول : ادله قاعده عدالت در کتاب و سنت چیست ؟

سوال فرعی اول : آیا می توان ادله قواعدی چون لا ضرر و نفی حرج را از مستندات قاعده عدالت دانست ؟

سوال فرعی دوم : آیا عدالت در کتاب و سنت در مقام اثبات و نفی احکام شرعی مطرح شده است یا صرفاً

برای دفاع از احکام ثابت شده می باشد ؟

دوم : عدالت چگونه مفهومی است و مرجع تشخیص مصادیق آن کدام است ؟

سوال فرعی اول : آیا عدالت در کتاب و سنت مفهومی اعتباری است یا واقعی ؟

سوال فرعی دوم : بر اساس کتاب و سنت، مرجع تشخیص مصادیق عدالت و گستره آن کدام است ؟

سوم : قلمرو قاعده عدالت چیست ؟

سوال فرعی اول : نسبت قاعده عدالت با ادله احکام چیست ؟

سوال فرعی دوم : آیا قاعده دالت در موارد منصوص نیز کارایی دارد ؟

سوال فرعی سوم : در فرض وجود نص بر خلاف عدالت، در مقام استنباط حکم شرعی چه باید کرد ؟

بر اساس سوالات فوق فرضیاتی قابل طرح است :

یکم : آیات قرآنی که مفاد آن امر به عدل و قسط و نهی از ظلم، و حق بودن دین است، و همچنین نصوص

روایی که حکم شرعی در آن، به ظالمانه نبودن، ما لا یطاق نبودن و یا اولی بالعدر بودن خداوند (کلمه غلب الله

علیه فالله اولی بالعدر) تعلیل شده و نیز ادله قواعدی چون لا ضرر و نفی حرج، مثبت قاعده عدالت است.

دوم : در آیات و روایات، عدالت مفهومی عرفی است و مرجع و میزان تشخیص مصادیق آن عرف عام (ناس)

است. و مقصود از آن جامع عرف متشرعه و غیر آن است.

سوم : قاعده عدالت همچنانکه در ما لا نص فیه معتبر است در موارد منصوص نیز معتبر است. و در موارد

منصوص، در صورت تعارض آن با حکم شرعی مستنبط، این تنافی تحت تاثیر قوانین حجیت و قوانین ترجیح،

قابل رفع است.

بر اساس این سوالات امر تحقیق آغاز و پیگیری شد که انشاء الله در پایان رساله به بررسی پاسخ این سوالات و اثبات و عدم اثبات فرضیه های طرح شده خواهیم پرداخت.

### سوم : پیشینه تحقیق

همچنانکه گفته شد به جهت آن که این قاعده سابقه چندانی در فقه ندارد آثار مستقلی در این زمینه نگاشته نشده است و باید در لابلای کلمات فقهاء به اصطیاد مواردی از آن دست زد. اما در چند سال اخیر با طرح مستقل آن در مجامع علمی چندین اثر در قالب کتاب، مقاله و پایان نامه نگاشته شده است که به روشن شدن فضای بحث کمک کرده است:

کتاب ۱: قاعده عدالت در فقه امامیه: عنوان کتابی است که پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی در بهار ۱۳۸۷ به انتشار آن اقدام کرده است. مجموعه ای است مشتمل بر گفتگو با شخصیت‌هایی چون آیه الله صانعی و حجج اسلام شهیدی، مبلغی، شرکت توسلی، مجتهد شبستری. در مقدمه این کتاب به کوشش حجة الاسلام علی اکبریان گفتگوها جمع بندی و مبانی مطرح از سوی گفتگو شوندگان به اختصار در قالب چهار فصل تبیین شده است: کلیات، مبانی قاعده عدالت، ثبات و تغییر مصادیق عدالت و ظلم و ادله نظریات سه گانه در قاعده عدالت. لازم به توضیح است که در مجموعه این گفتگو سه دیدگاه استخراج شده که عبارت است از نظریه غیر فقهی عدالت، نظریه فقهی عدالت عرفی و نظریه فقهی عدالت واقعی. به جهت آنکه مطالب در قالب گفتگو مطرح شده مباحث از انسجام کاملی برخوردار نیست ضمن آنکه در حوزه ادله قاعده عدالت بررسی تفصیلی انجام نگرفته است در زمینه قلمرو قاعده عدالت نیز اگر چه دستمایه های خوب تحقیقی برای این رساله فراهم آمده است اما مباحث با توجه به اهمیت این قاعده تفصیل لازم را پیدا نکرده است.

کتاب ۲: عدالت و عقلانیت در فقه و حقوق: این کتاب نوشته دکتر سید محمد اصغری است که در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات اطلاعات منتشر شده است. بخش مبسوطی از این کتاب به بحث عدالت در اندیشه سیاسی غرب و اندیشه فقهی حقوقی اسلامی و مقایسه این دو اختصاص دارد. لذا با مقصود این رساله که در پی قاعده فقهی عدالت برآمده از ادله کتاب و سنت است، متفاوت می باشد.

کتاب ۳: قاعده عدالت و نفی ظلم: عنوان کتابی است که توسط جناب آقای هادی قابل نگارش یافته و در بهار ۱۳۹۰ منتشر شده است. این کتاب در دوازده فصل تنظیم شده است و در پیوست کتاب مجموعه مکتوبات و مصاحبه های آیه الله صانعی در زمینه ی قاعده عدالت گردآوری شده است که بخشی از آن در کتاب قاعده عدالت در فقه امامیه طرح شده است.

در قسمت اصلی کتاب نویسنده در فصول هشتگانه ی ابتدایی که نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است به مطالبی نظیر: قواعد فقهی در گذر زمان، ضابطه قاعده فقهی، فرق قاعده فقهی و قاعده اصولی، اقسام قاعده فقهی، اقسام عدالت، تطبیق ضابطه قاعده فقهی بر قاعده عدالت پرداخته است. فصلی نیز به بررسی مفهوم عدالت اختصاص یافته است که نویسنده به اختصار به تبیین مفهوم آن در فقه پرداخته و بخش گسترده از فصل به جایگاه عدالت در علم کلام، علم اخلاق و نیز سیر تطور مفهوم عدالت در اندیشه ی سیاسی غرب می پردازد. چهار فصل آخر کتاب را می توان به مباحث مطرح شده در این رساله نزدیک دانست که عبارت باشد از: دلایل قاعده عدالت، رابطه قاعده عدالت با قواعد دیگر، کاربرد قاعده عدالت در فقه و تبیین مفهوم و جایگاه عرف در احکام فقهی. در دلایل قاعده عدالت صرفا آیات و روایات در این حوزه نقل شده و تبیین و تفسیری و لو به اجمال صورت نگرفته است. در بیان رابطه قاعده عدالت با قواعد دیگر فقهی نیز مباحث بسیار موجز و بدون تحلیل ارایه شده است. حجیم ترین فصل از فصول اخیر این کتاب، فصل کاربرد قاعده عدالت در فقه است. نویسنده در این بخش به مواردی که فقهاء به عدالت استناد جسته اند اقدام کرده است که قسمت عمده این موارد، دیدگاههای فقهی آیه الله صانعی است. و بالاخره در فصل آخر کتاب جایگاه عرف، و تقسیم های متعدد آن و نیز تفاوت آن با بناء عقلاء و سیره متشرعه و اجماع بیان شده است و پس از نقل دیدگاه حضرت امام، آیه الله صانعی و آیه الله منتظری بحث پایان یافته است اما تحلیلی از مجموعه دیدگاهها ارایه نشده است.

مقاله ۱: عدالت به مثابه قاعده فقهی: عنوان مقاله ای از حجة الاسلام مهریزی در سال ۱۳۷۶ در مجله نقد و نظر شماره ۱۰ می باشد که حسب اظهار نویسنده مقصود از آن بیش از طرح مساله و برانگیختن پرسش در ذهن پژوهشگران نبوده است. در این مقاله امکان طرح عدالت به عنوان قاعده ای فقهی طرح و مستندات اجمالی آن ذکر شده و در پایان نیز پرسش هایی برای تحقیق در حوزه قاعده عدالت مطرح شده است.

مقاله ۲: مقایسه قاعده عدالت با قاعده لا ضرر: عنوان گفتگوی تنی چند از محققان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی است با حجة الاسلام محمد تقی شهیدی از اساتید درس خارج حوزه علمیه قم است که در شماره ۵۶ نشریه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی) در پاییز ۱۳۸۷ منتشر شده است. در این مصاحبه بیش از آنکه به نسبت میان قاعده عدالت و لا ضرر پرداخته شود چگونگی کشف مصادیق عدل و ظلم بحث شده است.

پایان نامه ۱: بررسی اصل عدالت در فقه و حقوق اسلامی: عنوان رساله کارشناسی ارشد آقای حسن حسینی است که در سال ۱۳۸۰ در دانشکده الهیات مشهد از آن دفاع شده است.

این رساله در هشت بخش سامان یافته است: بخش اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی عدل، بخش دوم: عدالت از دیدگاه حکماء قدیم و فلاسفه غربی، بخش سوم: مفهوم عدالت در نزد مسلمانان، بخش چهارم: عدل الهی در نظرگاه متکلمین، بخش پنجم: عدالت از دید فقهاء، بخش ششم: عدالت در ادبیات دینی، بخش هفتم: عدالت در سنت، بخش هشتم: عدالت در سیره علما و فقها. چنانکه ملاحظه می شود در این رساله مباحث جدی و اساسی نسبت به قاعده عدالت طرح نشده است و نظر نویسنده ناظر به طرح اصل موضوع عدالت در فقه بوده است لذا در موارد مکرری به اعتبار موضوع عدالت در مثل امام جماعت یا شاهد پرداخته شده است.

پایان نامه ۲: جایگاه عدالت در استنباط احکام معاملات: عنوان رساله دکتری آقای سید محمدهاشم پورمولای دانشجوی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام است که در سال ۱۳۸۸ از آن دفاع شده است. استاد راهنمای این رساله حسین سعادت مصطفوی و استاد مشاور آن حجه الاسلام حسنعلی علی اکبریان بوده است.

این رساله در شش فصل نگاشته شده است: ۱- کلیات ۲- بیان اقوال در مساله ۳- بررسی ادله احکام مربوط به عدالت ۴- بررسی فتاوی فقها ۵- تطبیق نتایج ادله احکام با اقوال موجود و نقد آنها ۶- نتیجه گیری و پیشنهادات. با توجه به آنکه مشاوره این رساله را جناب حجه الاسلام آقای علی اکبریان بر عهده داشته اند و زمان نگارش آن همزمان با گفتگوهای انجام گرفته در کتاب «قاعده عدالت در فقه امامیه» بوده است، مباحث مطرح در این رساله و آن کتاب همپوشانی دارد.



اما آنچه بخش های سه گانه ی این رساله را از سایر تحقیقات در حوزه قاعده عدالت ممتاز می کند مواردی چند است:

یک: بررسی تفصیلی ادله قرآنی و روایی قاعده عدالت که در آثار گذشته انجام نگرفته است در این رساله در بخش اول آن به تفصیل آیات و روایات مثبت عدالت و همچنین نافی ظلم مطرح شده است همچنین آیات و روایاتی که موهم ظلم تشریحی خداوند بوده است ذکر و تبیین شده است.

دوم: از دیگر مزایای این رساله نسبت به کارهای انجام گرفته بخش دوم رساله است که به تحلیل مفهوم عدالت و مرجع تشخیص مصادیق آن پرداخته است. از مهمترین مشکلات در قاعده عدالت تطبیق آن بر مصادیق می باشد در این رساله راههایی چند مبتنی بر ابزار سنتی اجتهاد برای دستیابی به مصادیق عدالت طرح شده است و از طریق طرح دلیل انسداد در موضوع عدالت مسیر دستیابی به مصادیق آن را تسهیل کرده است.

سوم: در بخش سوم رساله به قلمرو قاعده عدالت پرداخته شده است که در پیشینه ی پژوهش های گذشته دیده نشده است. نسبت قاعده عدالت با قواعدی چون لا ضرر، غرور، قرعه و عدل و انصاف روشن شده است. همچنین جریان قاعده در موارد ما لا نص فیه بررسی شده است. در پایان بخش سوم نیز جریان قاعده در موارد منصوص را بررسی و تعارض قاعده با اصل برخی احکام و نیز اطلاق و عموم احکام را مورد کاوش و تحقیق قرار داده ایم.

#### چهارم: تعریف قاعده فقهی

قواعد نگاران، قاعده فقهی را با عبارات گوناگون تعریف کرده اند . استاد محمود شهبابی می نویسد :

قاعده فقهی قضیه ای است که حکم محمولی آن به فعل یا ذاتی خاص متعلق نباشد، بلکه بسیاری از افعال یا ذوات متفرق را که عنوان حکم محمولی بر آنها صادق است شامل باشد؛ خواه آن حکم محمولی حکم واقعی اولی باشد از قبیل قاعده لا ضرر و قاعد لاجرح که در همه ابواب فقه ممکن است مورد پیدا کند و اجرا شود، یا حکم ظاهری باشد از قبیل قاعده تجاوز و قاعده فراغ.<sup>۱</sup>

---

۱. شهبابی، محمود، قواعد فقه، ص ۹.

آیت‌الله ناصر مکارم نوشته است: قواعد فقهی احکام عام فقهی است که در ابواب مختلف جاری می‌شود.<sup>۱</sup>

آیت‌الله خویی در تعریف قاعده فقهی آورده است: قواعد فقهی قواعدی است که در طریق استفاده احکام شرعی الهی واقع می‌شود و این از باب استنباط و واسطه بودن نیست بلکه از باب تطبیق است.<sup>۲</sup>

نکته افزون تعریف ایشان و ذکر چگونگی استفاده حکم شرعی از قاعده فقهی به صورت تطبیق به جهت خروج قواعد اصولی از تعریف است. اگرچه این قید مورد مناقشه قرار گرفته است<sup>۳</sup> اما به جهت آنکه ما در صدد بیان فرق میان قاعده فقهی و اصولی نیستیم به آن نمی‌پردازیم.

یکی دیگر از محققان فاضل در تعریف قاعده فقهی می‌گوید: قاعده ی فقهی قاعده ای است که مشتمل بر حکم شرعی عامی است که از تطبیق آن حکم شرعی جزئی بدست می‌آید که از مصادیق آن حکم عام است.<sup>۴</sup>

تعریف دیگری که در این باره آمده عبارت است از: قاعده فقهی عبارت است از کبرایی که از ادله شرعی استفاده می‌شود و بر مصادیقش همچون انطباق کلی طبیعی بر مصادیقش انطباق می‌یابد مانند قاعده طهارت.<sup>۵</sup>

سید میر علی در حاشیه بر قوانین می‌نویسد: قاعده عبارت است از قضیه کلیه ای که حکم جزئیات موضوعاتش از آن شناخته می‌شود.<sup>۶</sup>

با توجه به آنکه هر یک از این تعاریف، به لحاظ اثری از آثار است و ربطی به ماهیت و حقیقت قاعده ندارد و به تعبیر مرحوم آخوند خراسانی شرح الاسم است و نه تعریف به جنس و فصل، خدشه و اشکال بر جامع و مانع بودن آنها ضرورت ندارد. و در مجموع می‌توان نکاتی را استفاده کرد:

۱. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهية، ج ۱، ص ۲۳.
۲. خویی، سید ابو القاسم، محاضرات في الأصول، ج ۱، ص ۸.
۳. صدر، سید محمد باقر، بحوث في علم الأصول، ج ۱، ص ۲۲؛ فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهية، ص ۱۷.
۴. ایروانی، باقر، القواعد الفقهية، ج ۱، ص ۱۳.
۵. مصطفوی، محمد کاظم، القواعد، ص ۹.
۶. قمی، میرزا، قوانین الاصول، ج ۱، ص ۵.

یک: قاعده فقهی کلی و عام است توضیح آنکه مراد از کلی بودن قاعده کلیت به لحاظ تعدد مکلفین نیست که در برابر آن حکم اختصاصی است چنانکه اکثر احکام شرعی چنین است و شامل تمام مکلفین است به جز احکام خاصی که اختصاص به برخی اشخاص مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد.

همچنین مراد از کلی بودن کلیت به لحاظ مصادیق و نیز حالات نیست چه آنکه اولی را در اصطلاح عام و دومی را مطلق می گویند. مراد از کلیت و شمول در قاعده فقهی، تعدد به لحاظ تعدد اصناف است. مقصود از تعدد صنف همان عدم اختصاص حکم به فعل یا ذات خاص است که در تعریف مرحوم شهابی ذکر شد. تعبیر جریان در ابواب مختلف نیز حاکی از تعدد به لحاظ اصناف است.

دو: قاعده فقهی مستفاد از ادله شرعی است سه: احکام شرعی جزئی مصادیق قاعده فقهی است.

### پنجم: تعریف قاعده عدالت

عدالت مورد بحث در قاعده عدالت در حوزه فقه، تشریح و قانون گذاری است. چنانکه در بررسی آیات به آن اشاره خواهد شد افعال خداوند در سه حوزه تکوین و تشریح در دنیا و جزا در آخرت متصف به صفت عدل است که این شمول ناشی از اطلاق وصف عدل برای ذات باریتعالی است. اقتضاء عدل الهی در حوزه تشریح آن است که تشریحات الهی که متوجه انسان شده است بر ساختار عدالت سامان یافته باشد و هیچ حکم آن ظالمانه نباشد. و این امر مساله ای روشن و واضح است که می توان ادعا کرد کسی از قدمات و نیز متاخران و معاصران در آن خدشه نکرده است.

آیه الله سیستانی بعد از نقل قول کسانی که تقدیم خمس بر موونه را خلاف عدل می دانند در دفاع از قاعده عدالت می فرمایند:

قاعده عدالت از بزرگترین قواعد فقهی است هرچند مانند سایر قواعد فقهی بابتی در قواعد فقهی به آن اختصاص نیافته است. می توان برای اثبات این قاعده از قرآن به آیه (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) استدلال کرد. شکی نیست که عدالت آن است که هزینه مملوک بر عهده مالک باشد و تحمیل کردن این هزینه بر غیر مالک ظلم است. و ظاهر آن است که اشکال کردن در اصل قاعده سزاوار نباشد چنانکه آیاتی دیگر نیز بر آن

دلالت دارد مانند: (وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) و نیز (وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ) بلی بحث در پایه عدالت و ضابطه کلی آن است.<sup>۱</sup>

لذا آنچه مطمح نظر اندیشمندان در دوره معاصر قرار گرفته آن است که آیا این حقیقت می تواند به عنوان میزان و معیار برای فقاقت و استنباط در اختیار فقیه قرار گیرد و تمامی برداشتهای فقهی و فتاوا با آن سنجیده شود به گونه ای که اگر حکمی بر طبق مقتضای عدل بود شرعی و اگر غیر عادلانه بود آن را غیر شرعی دانست. مقصود از قاعده عدالت آن است که عدالت به عنوان مفهومی قابل درک که امکان تطبیق آن بر مصادیقش برای فقیه میسر است به عنوان شاقولی در فقه از آن استفاده شود و شرعی و غیر شرعی بودن حکمی را با آن سنجید.

عدالت در قاعده عدالت هم در حوزه فرد و هم در حوزه اجتماع قابل طرح است و نمی توان آن را صرفاً ناظر به عدالت اجتماعی دانست. توضیح آنکه برخی احکام شرعی صرفاً دارای جنبه فردی است مانند احکام مربوط به نماز و بعضی دیگر مشتمل بر بعد اجتماعی است مانند امر به معروف و نهی از منکر و تعدادی دیگر دربردارنده جنبه فردی و اجتماعی است مانند مساله حج. در هر حوزه از احکام، عدالت به مقتضای آن قابل طرح و پیگیری است. عدل چنانکه در بحث لغوی بدان پرداختیم به معنای استواء و در مقابل جور و انحراف از مقتضای اشیاء است. چنانکه احکام اجتماعی اقتضائاتی دارد احکام فردی نیز مقتضیات ویژه خود را دارد که اگر آنها بدست آید و گردآوری شود می تواند معیار عدل بودن حکم قرار گیرد. قاعده عدالت در پی اثبات آن است که هر حکم شرعی در هر زمینه ای اعم از فردی و یا اجتماعی بر طبق مقتضیات آن بر پایه عدل شکل بگیرد.

پس قاعده عدالت را می توان چنین تعریف کرد: «هر حکم شرعی بر مقتضای عدل است پس حکم مشتمل بر ظلم یا غیر عدل حکم شرعی نیست».

در توضیح این تعریف باید گفت: برخی قواعد فقهی موضوع یا متعلق حکم شرعی را احراز می کند مثل قاعده فراغ که جریان آن در وضو موجب احراز موضوع حکم وجوب غسل یا مسح اعضا می شود. برخی دیگر از قواعد فقهی، در شناخت حکم شرعی کاربرد دارد و جریان آن موجب اثبات حکم شرعی کلی است مانند قاعده

---

۱. سیستانی، سید علی، قاعده لا ضرر، ص ۳۲۵.